

درباره رواق «دارالسیاده» و پیشینه ساخت و توسعه آن از ابتدای پیدایش تاکنون

گنجینه تاریخی «خانه سیدها» در حرم رضوی



نمایی از ایوان دارالسیاده در دوره پهلوی دوم



نمای داخلی رواق دارالسیاده در دوره پهلوی دوم

غازان خان با دقت و جزئیات بیشتری می پردازد و در کتاب «تاریخ الجایتو» می نویسد: «غازان خان عادل چون از این مطارحه (سخنان) آگاه شد، دست ارادت و قبول بر سینه بی‌گناه خود نهاد و گفت کسی که نصرت اهل بیت^ع و خذلان دشمنان او کند منم. و به مساعدت دوستان و مساعدت دشمنان ایشان متشعر(آماده)ومتنهض(اقدام‌کننده)گشت.در حال حکم‌ربلیغ(فرمان‌مغولی) در جمله‌ممالک‌ایران‌نفاذ یافت‌که‌در‌جمله‌سواد‌ممالک‌و‌بیاض‌مسالک‌جهان برای‌صادر‌او‌آورد‌وقصد‌از‌وزار‌سادات،‌دارالسیاده‌بنا کنند،‌چنان‌که‌در...تبریز‌وروم‌وبغداد‌و‌کرمان‌وشیراز‌و بر‌هر‌یکی‌چندان‌املاک‌و‌قری‌(روستا) و‌ضیاع‌و‌عقار وقف‌کرد‌که‌هر‌سال‌از‌ربوع‌(سود)‌مستدرکات‌وحاصل‌ارتفاعات‌۱هزار‌دینار‌به‌مرتقه‌می‌رسد.‌غازان‌بعد‌از‌آن‌به‌دوستداری‌و‌هواخواهی‌علی‌و‌اهل‌بیت‌رسول‌صلی...‌علیه‌تولی،‌وخذلان‌معاندان‌ایشان‌تیرانمود.» سنت غازان خان در احداث دارالسیاده طی ادوار بعدی نیز، تداوم یافت. «خواند میر» (درگذشته ۹۶۲ قمری) در «مأثرالملوک» می‌نویسد: «اولجایتوسلطان جهت مقبره خویش گنبدی که قطر آن شصت گز و ارتفاعش ۱۲گز است طرح انداخته به اتمام رسانید و مساجد و خوانق و دارالقرائه و دارالحديث و دارالسیاده و دارالشفای نیز احداث فرمود.» در دوره تیموری هم، ساخت دارالسیاده‌ها تداوم پیدا کرد. «اسفرازی» (درگذشته ۸۸۹ قمری) هم در «روضات‌الجنات» به ساخت دارالسیاده در هرات و در دوره سلطان حسین بایقرا تیموری اشاره دارد.

● معمای احداث «دارالسیاده» در حرم مطهر درباره تاریخ احداث رواق دارالسیاده در حرم رضوی، اطلاعات دقیقی نداریم؛ برخی ساخت این بنا را به گوهرشاد خاتون، همسر شاهرخ تیموری، نسبت داده‌اند. همین گزارش‌ها، به دفن «خانزاده خانم»، مادر گوهرشاد، در دارالسیاده حرم مطهر اشاره دارند که اگر این ادعا درست باشد، او را باید نخستین زن ساخته‌شده مدفون در حرم مطهر رضوی بدانیم.

مرضیه ترابی| دارالسیاده یکی از قدیمی‌ترین رواق‌های حرم رضوی است که به‌دلیل تزئینات خاص و نیز موقعیت ویژه در جغرافیای اماکن متبرکه، جایگاه ممتازی دارد. این رواق قدیمی، طی ادوار تاریخی مختلف بارها بازسازی و مرمت‌شده است. این رواق تا پیش از نصف‌شدنش، برای ایجاد رواق جدیدتری به نام دارالشرف در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی، مستقیماً به صحن عتیق راه داشت و درواقع، مسیر سرپوشیده میان مسجد گوهرشاد و صحن عتیق بود.

از سوی دیگر، قرارگرفتن دارالسیاده در جبهه غربی روضه منوره و ضریح مطهر، این رواق را به یکی از معابر اصلی ورود زائران و تشرف آن‌ها برای زیارت مرقد امام‌رضا^ع تبدیل کرده است. امروزه این بخش به زائران آقا| اختصاص دارد و خانم‌ها باید از مسیر جبهه شرقی وارد روضه منوره شوند. دارالسیاده افزون بر این ویژگی‌های مکانی، دارای ویژگی‌های تاریخی متعددی است؛ از آن جمله باید به قرار داشتن کتیبه‌های منحصر به‌فردی اشاره کرد که افزون بر اطلاعات مربوط به موقوفه‌های آستان قدس رضوی، بخشی از تاریخ حرم مطهر را در خود جای داده‌اند. در این نوشتار مختصر قصد داریم باپیشینه‌این رواق قدیمی که برخی آن را قدیمی‌ترین رواق حرم مطهر فرض می‌کنند، آشنا شویم.

● نهضت ساخت «دارالسیاده» در ایران کلمه «دارالسیاده» از دو بخش «دار» به معنای خانه و «سیادت» به معنای «سید بودن» تشکیل شده است و در مجموع، معنای «خانه سادات» یا «خانه سیدها» می‌دهد. در قدیم دارالسیاده به مکانی اطلاق می‌شد که محل بیوتته سادات بود. معمولاً در برخی شهرها، علاقه‌مندان به اهل‌بیت^ع مکان‌هایی را برای اقامت موقت سادات می‌ساختند که با نام دارالسیاده شناخته می‌شد و در آن‌ها از سادات مسافری که جایی برای اقامت نداشتند، پذیرایی می‌کردند. قدمت تأسیس چنین مکان‌هایی در شهرهای ایران به دوره ایلخانی باز می‌گردد و ظاهراً از دوره غازان خان (درگذشته ۷۰۳ قمری) که اسلام را به مذهب رسمی قلمرو خود تبدیل کرد، آغاز شده است. خواجه رشیدالدین فضل‌ا... در «تاریخ مبارک غازانی» به این موضوع اشاره می‌کند و ضمن بررسی موقوفات غازان خان می‌نویسد: «دارالسیاده اضافت فرش و طرح و بهاء و مذهب و عطر و وظیفه (مقرری) ویژه خادم (مرتّب که به مهفاه دارالسیاده قیام نماید و خدمت سادات به موجب شرط واقف به جای آورد، معاش سادات از نقیب که مقیم آنجا باشد و سادات آینده و رونده» عبادا... بن علی کاشانی (درگذشته ۷۲۸ قمری) که ظاهراً شیعی مذهب بود، به این اقدام

چهارشنبه‌های مظلّا

SHAHRAHNEWS.IR
شنبه ۴ شهریورماه ۱۳۹۴
شماره ۲۳۵

۱۵

↓

تاریخ و هویت

پایان آصف الدوله در خراسان

هادی دقیق| پیش از این و در شماره‌های پیشین از این سلسله یادداشت‌ها درباره آصف‌لدوله‌های خراسان نوشتیم که آصف‌الدوله شاهسون چطور در سراسر ایران جابه‌جا شد تا در نهایت دوباره به خراسان برگشت. هرچه بود، اودر خراسان باتوجه به تجربه قبلی‌اش، رعایا را زیر فشار گذاشته بود که بیشتر مالیات بدهند تا بتواند مطالبات تهران را ادا کند. اما همین هم بر تعداد ناراضیان از او افزوده بود. گویا این توصیف از آصف‌الدوله در «تاریخ بیداری ایرانیان» دقیق‌ترین وصف از شخصیت اوست: «آصف‌الدوله اظهار تقدس می‌کرد و ریش نمی‌تراشید و از نوشابه‌های الکلی احتراز می‌نمود، ولی در عین حال صورت‌پسند و دارای طبعی شیرخشتی مزاج بود و از ارتکاب پاره‌ای اعمال منافی عفت ابایی نداشت.

او هر کجا که به حکومت می‌رفت، گندم و ارزاق مورد احتیاج مردم را احتکار می‌کرد و محصولات املاک خالصه را به ثمن بخش می‌خرد و بعد از مدتی به قیمت گزاف می‌فروخت.» در نتیجه، باید این‌ها را هم به فهرست ناراضیتی مردم از او افزود.

● بلوای نان

همه این‌ها سرانجام باعث یک نارضایتی بزرگ در مشهد شد و جمعی در حرم امام‌رضا^ع بست نشستند و از محمد حسن‌نامی ملقب به معاون التجار که با حکمران همدست و عامل قحطی نان بود، شکایت کردند.

این اتفاق مربوط به فروردین ۱۲۸۴ است. سلسله جنیان این اتفاقات را هم طلبه‌ای از اهالی قفقاز دانسته‌اند؛ در اواخر دوره قاجار تعداد مهاجران روسی داخل ایران زیاد شده بود که هر کدام هم به فراخور حالشان به شکلی از امپراتوری روسیه آن زمان می‌نالیدند. در نتیجه حتی می‌شود گفت که در دو دهه پایانی حکومت قاجارها، طلبه‌های قفقازی ساکن در مدارس اطراف حرم، بیش از بقیه در صحنه تحولات حاضر بودند.

درباره این مطلب، مقاله‌ای مفصل در شماره هشتاد فصلنامه «گنجینه اسناد» با عنوان «طلاب قفقازی و نقش آنان در تحولات سیاسی اجتماعی مشهد در اواخر عصر قاجار» منتشر شده است. متحصنان در حرم مطهر، نامه‌ای به آصف‌الدوله می‌نویسند و شکایتشان را ابراز می‌کنند. در جواب، نامه‌رسان‌های بیچاره مفصل کتک می‌خورند و تلگراف خانه هم بسته می‌شود تا مبادا گزارش آن به تهران برسد. نامه بعدی به آصف‌الدوله هم بی‌پاسخ نمی‌ماند؛ آصف‌الدوله در جواب آن، به متولی‌باشی حرم دستور می‌دهد که معترضان را از حرم بیرون کند.

در نتیجه بی‌توجهی آصف‌الدوله به این وقایع، طغیان مردم تا آنجا پیش می‌رود که به سوی کاروان سرای معاون التجار در بالاخیابان و ارگ حکومتی حرکت می‌کنند. مردم معترض از همه جایی خبر، هدف تیرتفنگچی‌های مستقر در کاروان سراقرا می‌گیرند و به سمت حرم فرار می‌کنند تا شاید پناهگاهی برایشان باشد. غافل از اینکه با همدستی معاون‌التجار و آصف‌الدوله، تفنگچی‌ها تا داخل حرم و صحن مسجد گوهرشاد که محل تجمع آن‌ها بود، دنبالشان و به آن‌ها تیراندازی می‌کنند. این واقعه ناگوار به مرگ چهل نفر و مصدوم‌شدن عده زیادی می‌انجامد و حتی درودنیار حرم و گنبد طلا هم از تیر کین تفنگچی‌های آصف‌الدوله در امان نمی‌ماند.

● حکایت قوچان و درخواست عدلیه

خبر ماجرای مشهد وقتی به تهران می‌رسد که علمای مشروطه خواه بنا به وعده مظفرالدین‌شاه برای تأسیس عدلیه از تحصن در حرم شاه‌عبد‌العظیم دست کشیده و به تهران برگشته بودند. سید محمد طباطبایی، از علمای شیعه و رهبران جنبش مشروطه، وقایع مشهد را چنان که شنیده بود، بالای منبر تعریف و گریه و زاری می‌کند. اما این همه ماجرای آصف‌الدوله نبود. پیش‌تر گفتیم که او مالیات را افزایش داده بود و این برای برخی رعایا، آن هم در سالی که ملخ‌ها به مزارع منطقه حمله کرده بودند، بسیار سنگین بود. در نتیجه فشار آصف‌الدوله، رعایای قوچان به ناچار، دخترانشان را با مبلغی اندک به ترکمانان می‌فروختند تا بتوانند هزینه طمع والی ستمکار را تأمین کنند.

سید محمد طباطبایی در نامه‌ای به مظفرالدین‌شاه نوشته است: «دختران قوچانی رادر عوض سه‌ری گندم مالیات‌که نداشتند بدهند، گرفته به ترکمان‌ها و اراخنه عشق‌آباد فروختند و «هزار نفر رعیت قوچانی از ظلم به خاک روس فرار کرده‌اند.»

از ملک‌الشعرا بهار هم چندین بیت درباره این ماجرا مانند این نمونه موجود است: «اهل خراسان و جزو خراسان دانند/ جمله که چون است حال مردم قوچان.»

با وجود این، در سراسر این ماجرا فقط ردپای آصف‌الدوله نیست و دست و دامن سالارمفخم، حاکم وقت بجنورد، هم همان قدر آلوده است.

روی هم‌رفته، احمد کسروی در تاریخ مشروطه‌اش نوشته است: «بیدادهای او [آصف‌الدوله] در خراسان یکی از انگیزه‌های جنبش مشروطه شمرده می‌شد» و سید حسن تقی‌زاده، سیاست‌مدار و از رهبران مشروطه، هم در این باره نوشته است: «تعدييات آصف‌الدوله حاکم خراسان [...] مردم را به مبارزه و ضدیت با استبداد تحریک کرد و سبب انفجار انقلاب گردید.» حکایت دختران قوچان در کتابی به همین نام و همچنین در کتاب «چرا شد محو از یاد تو نامم؟» هر دو از افسانه نجم‌آبادی، پژوهشگر تاریخ و از خاندان شیخ‌هادی نجم‌آبادی (از پیش‌گامان مشروطه)، با جزئیات شرح داده‌شده است.

● عودشود سبب خیر...

آصف‌الدوله به جز این همه ظلم و ستم در خراسان، از مخالفان تأسیس دارالشوری هم بود و همه تلاشی را کرد که چنین انجمنی در مشهد پا نگذرد.

البته در همان روزهای ابتدایی با گرفتن مجلس مشروطه، او تلگرافی به تهران می‌زند و ماجرا را تکذیب می‌کند و چند دلیل می‌آورد که بیشتر به بهانه می‌ماند. روی هم‌رفته کاری که آصف‌الدوله در خراسان کرد، نه تنها آتش مشروطه را شعله‌ور کرد، بلکه زمینه‌ساز تأسیس عدلیه شد.

او همچنین سبب‌ساز یک‌دگریری دامنه‌دار بین دولت قاجار و مجلس تازه‌تأسیس شد. کار حتی به جایی رسید که برای نخستین بار در ایران، مجلس به یک وزیر رأی عدم اعتماد داد و کابینه وزیرافخم، وزیر داخله، اردیبهشت ۱۲۸۶ سقوط کرد. باز هم این تنها فایده کج‌روی آصف‌الدوله در خراسان نبود؛ مجلس در اقدامی ابتکاری، در دادگستری تازه‌تأسیس، کمیته تحقیقی برای بررسی اقدامات آصف‌الدوله در قوچان، تشکیل داد.

در نتیجه این اقدامات، آصف‌الدوله و سالارمفخم به تهران فراخوانده و محاکمه شدند که این محاکمه هم در نظام جدید، اولین بود. باین تفصیل، چند سال بعد، آصف‌الدوله در میان شگفتی به عنوان وزیر به مجلس معرفی شد.

کسروی در این باره آورده است: «چنین کسی اکنون به عنوان یک وزیر به مجلس شناسانده می‌شد. از این شگفت‌تر آنکه نمایندگان هیچ یک زان به ایراد پا نگذردند.» حتی روزنامه‌هایی که تا پیش از این آصف‌الدوله را وطن‌فروش می‌نامیدند هم به جز روزنامه آدمیت، چیزی ننوشتند. او یک بار دیگر هم وزیر داخله شد. تا اینکه مجلس به توپ بسته و او استاندار فارس شد.



scanit



تصویری از رواق دارالسیاده این روزها